

مرواريد شرقى

بخش فارسى راديو بين المللى چين

中国国际广播电台波斯语部

China Radio International

2014 شماره دوم سال 第二期



人民币定价：20元

ISSN 2095-8013
刊号 CN 10-1227/G1

ISSN 2095-8013





مسافرت در تابستان

دیرینه، آثار باستانی شگفت انگیز، عوارض جغرافیایی گوناگون، غذاهای لذیذ و خوشمزه بوده بلکه مردم خون گرم و مهربانی در این سرزمین زیبا زندگی می کنند.

در دو سال گذشته، فرصت پیدا کردیم که همراه دوستان ایرانی برای آشنایی با شهرهای باستانی حاشیه جاده ابریشم به مناطق شمال غربی چین سفر کنیم. دلمان می خواست تجربیات بی نظیر خود را در این مناطق زیبا با شما به اشتراک بگذاریم تا روزی اگر فرصت پیدا کردید، حتما در آب و هوای خنک، بالای کوه رفته و یا در کنار دریاچه چینگ های قدم بزنید و با یک کاسه سوپ محلی گوشت گوسفند برای ادامه سفر خود انرژی کسب کنید.

آماده اید، تا با باز کردن این مجله، سفر به شمال غرب چین را آغاز کنیم؟!

با شروع تعطیلات تابستانی دانش آموزان و گرم شدن هوا، مسافرت های تابستانی نیز آغاز می شود. شاید بهترین خاطرات ما از مسافرت های تابستانی سفر هایی باشد که به همراه خانواده بوده و یا سفرهایی که پس از فارغ التحصیلی از دانشگاه، به تنهایی رفته ایم. برای بسیاری از ما، اهمیت سفر، به تعداد کشورهایی که دیده ایم یا خرید سوغاتی ها و یادگاری های گرانبها نیست، بلکه هدف و خاطره ما از سفر شنیدن واگویه های درونی در مسیر و لذت از راه سپردن است.

برای این که گرمای این فصل شما را آزار ندهد. شما را به سفر به چین دعوت می کنیم. ولی این بار شهرهای بزرگ مثل پکن، شانگهای، گوانگ جو را برای شما معرفی نمی کنیم بلکه شما را به یک سرزمین وسیع و زیبا دعوت کرده ایم که در شمال غرب چین قرار دارد. اینجا نه تنها دارای تمدن و تاریخ





فهرست

1 شی نینگ، همزیستی اقوام و آیین های باستانی

5 معبد بودایی تار

8 دریای زرد، دریای آبی

12 جانگ یه، مروارید جاده ابریشم

20 شهری که رود مادر را در آغوش گرفته است

22 طعم لان جو، در یاد شما می ماند

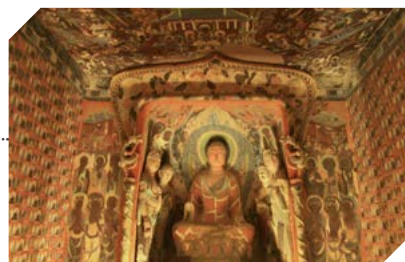
24 آیین مردم چین در نیمه پاییز

28 غذاهای مخصوص کشور های آسیایی در عید نیمه پاییز

29 دون هوانگ، سه راهی راهبردی جاده ابریشم

30 غار های هزار توی بودایی موگاو، میراث جاودان بشری

33 جاده ابریشم، گردش آرام در بیکران بیابان



主办单位: 中国国际广播电台
出版单位: 《世界新闻报》社
编辑: 《东方之珠(波斯文)》编辑部
广告代理: 北京慕尚广告有限传媒公司

سردبیر: لیو شی جیا
معاون سردبیر: لین لو
تحریریه: امیر جلیل زاده

主编: 刘士嘉
副主编: 林路
执行编辑: 埃米尔·贾里勒扎德



شی نینگ، همزیستی اقوام و آیین های باستانی

گسترش قرار گرفته اند و روند پیشرفت و سازندگی مراکز صنعتی و کشاورزی در حال آغاز است. به عبارت دیگر این ناحیه به زودی در روند پرسرعت پیشرفت چین قرار گرفته و قدم در راه گسترش خواهد گذاشت. استان های گانسو، منطقه خودمختار اوپغور شین جیانگ، منطقه خودمختار تبت و سی چوان همسایگان چینگ های هستند. استان سراسر شگفتی و تاریخ است و به واسطه گسترش و گستردگی اش روز به روز بر جذابیت

ابریشم است. به طور خلاصه اگر بخواهیم درباره شی نینگ گفته باشیم، این شهر مرکز استان پهناور چینگ های است. چینگ های از نظر وسعت در مقام سوم در چین قرار دارد اما بر خلاف وسعت خود جمعیت آن بسیار کم است و کمتر از 7 میلیون جمعیت دارد. به همین دلیل شی نینگ با اینکه مرکز استان است در حدود 3 میلیون نفر جمعیت دارد و از نظر گستردگی شهری به نسبت وسیع و کم ارتفاع از نظر بلندمرتبه سازی به حساب می آید. یکی از دلایل کم بودن جمعیت در این ناحیه را می توان آب و هوای خشن منطقه دانست. البته تابستان ها در چینگ های بسیار دل چسب است اما در فصل زمستان سرمای خشک و بارندگی کم، شرایط برای افزایش جمعیت را کمی سخت کرده است. سیمای امروزی شهر چندان اثری از شهرهای پیشرفته چین ندارد اما به دلیل پروژه های توسعه مناطق غربی کشور چین، این شهر و همچنین استان چینگ های در بالای فهرست نقاط رشد و

سفر به جاده ابریشم که آغاز می شود، بیش از خاطرات رهرویی و راه سپاری، نام شهر هاست که خاطرات را در ذهن مجسم می کند. نام هر شهر نماینده گروهی از خاطرات می شود و درونمایه جدید به سفرنامه جاده ابریشم می افزاید. هر شهر و ایستگاهی که به نام جاده ابریشم ثبت شده یا شناخته می شود، خواسته یا ناخواسته عنوانی فاخر و برجسته را با خود همراه می کند. با این حال هنگام مقایسه پیشینه این شهر ها و شرایط و جایگاه امروزی آنها، تفاوت های بسیاری آشکار می شود. اوضاع فرهنگی، تبادلات اقتصادی و آیین ها و اقوام گوناگون ساکن در منطقه نشان از شرایط کنونی این شهر ها دارد. هر قدر انباشتگی این آثار و نشان های باستانی بیشتر و تاثیر گذار تر باشند نشان می دهد که شهر از روزهای اوج خود در دوران رونق جاده ابریشم دور نمانده است.

شی نینگ هم یکی از این شهرهای مسیر جاده

آن افزوده می شود

به گذشته شی نینگ که نگاهی می اندازیم اعتبار و شهرت این شهر دو چندان می شود. شی نینگ را می توان مهمترین گذرگاه جاده ابریشم شمالی در مسیر "دالان هه شی" دانست. این دالان که به سرزمین تبت باستانی منتهی می شود، شی نینگ را به بنگاه مهم تبادلات تجاری و فرهنگی تبدیل کرده است. بیشترین کالاهایی که در شی نینگ معامله می شده و برای رفع نیاز مردم تبت از آنها استفاده می شده است شامل نمک، پشم و وسایل و لوازم چوبی بوده است. از این نظر حضور پررنگ فرهنگ تبتی حتی در عصر حاضر هم بسیار مشخص و شایان اهمیت بوده و امروزه نیز بازارهای بزرگ و کوچک محلی سرشار از محصولات تولید تبت و هنرهای دستی تبتی است.

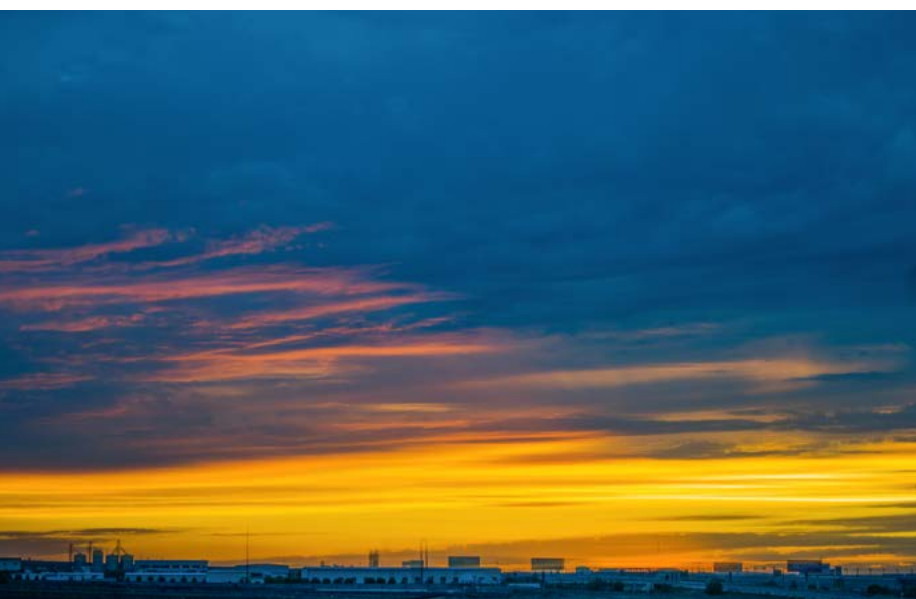


از سوی دیگر شهر شی نینگ به دلیل قرار گرفتن در مسیر شمالی جاده ابریشم مورد استفاده بسیاری از ایرانیان بازرگان قرار می گرفته است. مردمان شهر شی نینگ را می توان در گروه برخی از شهروندان چینی دانست که نام ایران را هزاران سال پیش شنیده و امروزه نیز به یاد دارند. در طول تاریخچه 2100 ساله شهر شی نینگ حضور ایرانیان بسیار پررنگ بوده و بر اساس آنچه که از تاریخ و بقایای آن بر می آید، مردم شی نینگ بازرگانان ایرانی را همواره سفیران فرهنگی دانسته و علاوه بر جنبه های اقتصادی و بازرگانی این افراد، آنان همچنین دلیل اصلی ورود دین و آیین های مختلف از سرزمین های غربی چین باستان به شمار می رفته اند. یکی دیگر از جاذبه های ناشی از جاده ابریشم در شی نینگ آمیزش و شکل گیری اقوام و نژاد های مختلف چینی و غیر چینی در این ناحیه است.





چهار مسجد جامع بزرگ حال حاضر کشور چین. از نظر منابع و ذخایر طبیعی نیز استان چینگ های محل قرار گرفتن بزرگترین دریاچه کشور چین است. هر سه این موارد امروز از اصلی ترین منابع گردشگری استان چینگ های و شهر شی نینگ هستند.



افزون بر قوم هان، هویی و تبتی قوم ویژه دیگری در این ناحیه زندگی می کند که خواستگاه اصلی این تبار همین منطقه به شمار می رود. این قوم "سالار" نام دارد. قوم سالار به نسبت از اقلیت های کم جمعیت چین است و در حدود 200 هزار نفر جمعیت دارد. سالار ها در اصل ترک های اوغوز هستند که در طول سال ها همزیستی با اقوام هان، هویی و تبتی ایل و قوم خود را شکل داده اند. داستان ورود سالار ها به خاک چین بسیار شنیدنی است. دو برادری که نیاکان این قوم به شمار می روند، در میان بزرگان مذهبی مسلمان سمرقند بسیار مورد اعتماد بوده اند که به دلایلی مورد بدخواهی قرار گرفته و از سوی حاکم شهر به اعدام محکوم می شوند. این دو برای نجات جان خود به همراه یارانی از شهر سمرقند به شرق سفر کرده و در نزدیکی های شهر شیواوه امروزی اقامت می کنند. باجود گذر زمان و پستی بلندی های فراوان، سالار ها در دوران و امپراتوری های مختلف همواره مورد پسند و لطف حکمرانان قرار داشته و مردان جنگجوی قوم سالار به واسطه دلاوری های خود در ارتش مورد عنایت بوده اند.

از دیگر نکات جالب توجه در شهر شی نینگ قرار گرفتن دو مرکز عمده دینی در این شهر است. معبد تار، به عنوان یکی از بزرگترین معابد و مراکز آموزشی آیین بودایی تبتی و دیگری مسجد جامع دون گوان، یکی از

بر اساس مدارک تاریخی، ساخت معبد تار در سال 1560 میلادی آغاز شد و پس از گسترش آن در صدها سال گذشته، اکنون مساحت کل این معبد به بیش از 40 هکتار رسید. در آن بیش از 1000 حیاط و بنا با بیش از 4500 اتاق و سالن ساخته شده است. همچنین در این معبد بزرگ آموزشگاه عالی علوم مذهبی و آموزشگاه پزشکی راه اندازی شده است. این معبد در کشورهای آسیای جنوب شرقی از شهرت زیادی برخوردار است و سالانه بسیاری بوداییان از این کشورها برای عبادت به این معبد می آیند.

معبد تار در میان کوه ها ساخته شده و طراحی ترکیب ساختمان های آن بسیار برجسته و شگفت انگیز است و عظمت و شکوه معماری باستانی چین را نشان می دهد.

ساختمان اصلی این معبد به نام سالن "دا جین وا" در سال 1560 ساخته و در سال 1711 بازسازی شده است. نکته جالب توجه در این سالن این است که تمامی بام آن با آجرهای طلایی پوشیده شده و در ساخت این بنا بیش از 75 کیلو طلا به کار رفته است. در مقابل این سالن، محل تولد زونگبا موسس فرقه "گلوگ" بودای تبتی است که اکنون در این محل یک برج نقره ای به ارتفاع 12.5 متر ساخته شده است. این دو ساختمان زیر نور آفتاب می درخشند و شکوه و عظمت منحصر به فردی را نشان می دهند.

به غیر از سالن "دا جین وا" و برج نقره ای ساختمان های پرشکوه و زیبای دیگری نیز در معبد تار وجود دارد که از میان آنها می توان به هشت برج "خجسته"، سالن کوچک "شیانو جین وا" و سالن قرائت کتب مقدس اشاره کرد. همه این ساختمان ها از سبک های معماری ویژه خود برخوردار بوده و مکمل یکدیگر هستند.



معبد بودایی تار

معبد بودایی تبتی تار یکی از شش معبد بزرگ بودایی بوده و در شمال غرب چین در 25 کیلومتری جنوب غربی شهر شی نینگ قرار دارد و یکی از معابد عمده مذهب بودایی تبتی در شمال غرب چین به شمار می رود. تار در زبان چینی به معنی "معبد برج" است.

درباره ساخت این معبد یک داستان همواره روایت می شود. یک راهب تبتی به نام "زونگبا" به منظور فراگیری دانش مذهبی بودایی تبتی به مناطق مختلف سفر کرده و از معبد های فراوانی دیدن کرده و در آنها آموزش دیده بود. در سن 34 سالگی وی از شهرت و نفوذ زیادی برخوردار شد و به تبلیغ مذهب بودایی پرداخت. در سال 1379 میلادی، مادر این راهب بر اساس درخواست پیروان پسرش، یک برج بودایی در محل دفن او ساخت و این برج نخستین بنای معبد کنونی تار به شمار می رود و اسم این معبد نیز از همین برج سرچشمه گرفته است. پس از آن، در حدود 200 سال، پیروان بودایی در اطراف این معبد بناها و ساختمان های زیادی ساختند و تا سال 1577، این معبد تکمیل شد و با نام تار به عنوان یکی از مراکز آموزش و عبادت پیروان بودایی تبتی به شهرت رسید و مورد توجه همگان قرار گرفت.



جدیدی روی پوست داخلی نیز وجود دارد.

این درخت با گذشتن صدها سال همچنان نیروی حیاتی خود را حفظ کرده و در چهار فصل سرسبز و استوار به زایران خوشامد می گوید. در ماه اوت، گل های زیبایی سرخ رنگ آن شکفته می شود. با آنکه بسیاری معبد ها در تبت خواستار کاشت و تکثیر این درخت شگفت انگیز هستند، اما هیچ یک موفق به کاشت این درخت نشده اند.

در معبد تار سه هنر گرانقدر یعنی گلدوزی بر روی پارچه، نقاشی دیواری



و مجسمه سازی با کره (منظور از کره همان فراورده لبنی است که در صبحانه یا پخت غذا از آن استفاده می شود) وجود دارد که از میان آنها، مجسمه سازی با کره از هنر های دیگر جالب توجه تر است.

هنر مجسمه سازی با کره نکته درخشانی



وقتی که از دروازه اصلی معبد وارد می شویم، یک سنگ بزرگ دیده می شود که هر زایری عبادت خود را از آن سنگ آغاز می کند. گفته می شود که زونگبا از 16 سالگی برای آموزش احکام دینی به لاهاسای تبت سفر کرده و مادرش هر روز برای پسر خود دلتنگی می کرده است. مادر هر روز هنگام گذر از آب روی این سنگ استراحت کرده و به پسر خود فکر می کرده است. به اعتقاد پیروان، این سنگ بزرگ دارای تقدس و روحی متبرک است و به همین خاطر آنها این سنگ بزرگ را مورد عبادت قرار داده اند. در حقیقت، نه تنها پیروان بودایی، بلکه هر کسی به اینجا می آید، از عشق و دلتنگی مادر به پسر متحول و متأثر می شود.

در مرکز معبد تاریک درخت مقدس نیز وجود دارد که درخت هزاران بودا نامیده شده است و بیش از صدها سال عمر دارد. اواریس ریگس هاک، یک مبلغ مسیحی فرانسوی که در قرن نوزدهم در رأس هیاتی از این معبد بازدید کرده، در سفرنامه خود درباره این درخت نوشت: ”ما با دقت به برگ های این درخت نگاه کردیم و با تعجب متوجه شدیم که در هر یکی از آنها خطوط تبتی وجود دارد. در ابتدا فکر می کردیم که همه این ها را راهبان نوشته اند، اما ما دقت کردیم و پس از بررسی متوجه شدیم که مصنوعی نیستند. به غیر از برگ ها، روی تنه و شاخه های درخت نیز خط تبتی دیده می شود. وقتی که ما پوست کهنه درخت را کندیم، دیدیم که خط



درست می‌کنند.

اندازه این مجسمه‌ها از چند سانتیمتر تا به بیش از یک متر می‌رسد و موضوعات مجسمه‌ها، گل، پیکره‌های بوداها و داستان‌های تبتی و بودایی را در بر می‌گیرد. با دیدن این آثار زیبا و شگفت‌انگیز خاطره‌ای فراموش‌نشده برای گردشگران رقم می‌خورد.

وقتی که وارد سالن قرائت کتب مقدس بودایی معبد شدیم، ده‌ها راهب که در حال قرائت کتب بودند. به گفته راهنمای ما، روزانه بسیاری پیروان بودایی از مناطق مختلف چین از این معبد زیارت می‌کنند. برخی از آنها پای پیاده صدها کیلومتر را پشت سر گذاشته و به اینجا می‌آیند که در هر گام یک بار زانو زده و دعا می‌خوانند تا به معبد می‌رسند، تشک و لباس آنها پاره می‌شود با شنیدن ان حقایق و دیدن برخی پیروانی که این آیین را به جا می‌آورند، بسیار متحول شدیم.



از فرهنگ و هنرهای قوم تبت چین به شمار می‌رود. گفته می‌شود که در اواسط قرن شانزدهم، هنر مجسمه‌سازی با کره از تبت به معبد تار منتقل شد و پس از کاوش و تکمیل توسط راهبان معبد تار، این هنر پیشرفت جدیدی پیدا کرده است. هنر مجسمه‌سازی کره‌ای معبد تار از شهرت زیادی در مناطق تبتی نشین چین برخوردار است. در شامگاه روز پانزدهم ماه اول به تقویم کشاورزی چین، معبد تار یک جشنواره با شکوه فانوس هنرهای مجسمه‌سازی با کره برگزار می‌کند که معمولاً دو قفسه بزرگ و بلند ایجاد شده و روی آن مجسمه‌های ظریف و زیبا به معرض دید گذاشته می‌شود.

برای ساخت مجسمه‌های کره‌ای باید تشریفات دقیق و پیچیده‌ای رعایت شود. در معبد تار یک حیاط اختصاصی برای درست کردن آن وجود دارد. هنرمندان معمولاً در پایان ماه اکتبر که دمای هوا به 6 درجه زیر صفر می‌رسد با دست آثار هنری آن را



دریای زرد،

دریای آبی

گرفته است و به علت ارتفاع زیاد و همچنین سختی آب و هوای محلی بافت گیاهی فراوانی در اطراف دریاچه دیده نمی شود. دریاچه در کمال آرمش و زیبایی مجموعه ای شگفت انگیز از ترکیب دریا، کوه و کویر را به نمایش می گذارد. دریاچه چینگ های بدون شک از معدود نقاطی است که همه مردم چین برای دیدن آن از اولین فرصت استفاده می کنند.

در میان دریاچه فقط یک جزیره وجود دارد که این جزیره نیز تحت تصرف خاندان و سلسله بودایی بوده که در آن آرامگاه معبد و قصر ساخته شده است. برای تردد به این معبد از قایق استفاده نمی شده و در سه ماه زمستان که آب دریاچه یخ می بسته، راهبان و بوداییان از روی دریاچه به شهرهای نزدیک می رفته و زائران نیز برای عبادت به آرامگاه و معبد می آمدند. در کل این گونه می توان گفت که دریاچه چینگ های همواره با آرامگاه ها

چینگ های به معنی دریای آبی است. هرچند که چینگ های به عنوان بزرگترین دریاچه سرزمین اصلی چین شهرت دارد اما هنگام قدم زدن در کنار ساحل این دریاچه، بیشتر احساس در کنار یک دریا یا اقیانوس بودن به شما دست می دهد. این دریاچه نزدیک به 4500 کیلومتر مربع وسعت و بیش از 3 هزار متر ارتفاع از سطح دریا، سرچشمه زندگی و جاذبه گردشگری مهم استان چینگ های به شمار می رود. دریاچه در متون باستانی و در زبان مغولی با نام ”کوکونور“ شناخته می شود و ترجمه این نام هم ”دریای آبی“ است. این دریاچه مقصد بیش از 23 رود و رودخانه در فلات تبت است که بیشتر آنها به صورت موسمی تشکیل می شوند. اما در این میان 5 رود دائمی بیش از 80 درصد آب دریاچه را تامین می کند.

آب دریاچه شور است و در حصار از کوه ها و چمنزارها و تپه ها قرار



و پیروان دین بودایی احاطه شده بوده و در دید پیروان و در دوران باستان دریاچه منبع سرشاری از الهامات و آموزه های آیین بودایی تبتی به شمار می رفته است.

مسیر رسیدن به دریاچه چینگ های با مناظر اطراف دریاچه تا حد زیادی متفاوت است. مسیر رسیدن به دریاچه از شهر شی نینگ تا دریاچه از میان کوه های چیلیان می گذرد و دامنه این کوه ها و تپه ها، مزارع پرورش گل های زرد رنگی هستند که مدت ها از آن برای تهیه روغن خوراکی گیاهی استفاده می شده و امروزه نیز با فناوری های جدید از این گل های زرد روغن گرفته می شود و می توان گفت که تولید این فراورده به یکی از صنایع محلی تبدیل شده است.

مزارع پهنوار
گل های زرد
رنگ مانند
دامنی پرچین
و تاب در
سراسر دامنه
ها و تپه ها
گسترده شده
و به نوازش
با د ها ی

موسمی به رقص در می آیند. منظره دشت زرد رنگ به حدی زیبا و خیره کننده است که مسافران در هر جایی که جاده باریک به آنها اجازه دهد، ایستاده و عکس های یادگاری می گیرند. جاده باریک از میان تپه های نه چندان بلند با پیچ و تاب فراوان امتداد یافته و گاهی در کناره های آن آبگیر های کوچکی نیز دیده می شود. برخی دامنه ها هم با مجسمه های بسیار بزرگ فلزی آراسته شده اند. در جاده منتهی به دریاچه چینگ های فقط می توان به دور از هر نوع هیاهوی زندگی شهری و آلودگی و در آرامش مطلق نفس کشید و از زیبایی های طبیعت لذت برد.

پیش از رسیدن به محدوده دریاچه در فضای بسیار گسترده ای مجسمه ها و تندیس های غول آسایی از برخی شخصیت های تاریخی و افسانه

ای ساخته شده است و بر اساس نظمی شگفت انگیز در این فضا پراکنده شده اند. مسیر های مشخص از میان ساحل شنی ما را به سوی دریاچه هدایت می کند.

گردشگرانی که از شهرهای بزرگ به دیدن دریاچه و مناظر اطراف آن آمده اند، تنفس در هوای پاک و لذت بردن از آفتاب تابان را بهترین هدیه طبیعت به خود می دانند. میانگین عمق دریاچه 21 متر است و قابلیت قایقرانی هم در آن وجود دارد. با این که دریاچه ارزش اقتصادی فراوانی ندارد اما گونه ای از ماهی آبهای شور و دریاچه ای در آن وجود دارد که به ویژگی های دریاچه افزوده است. این ماهی در سراسر جهان فقط در دریاچه چینگ های زندگی می کند و شکار آن غیر قانونی است. این ماهی به نام "ماهی بدون پولک" یا "هوان یو"

شناخته می شود.

در فاصله ای کمتر از 500 متر از ساحل محل برگزاری یکی از جالب ترین جشنواره های هنرهای تجسمی قرار دارد. جشنواره ساخت مجسمه های شنی. آثار شگفت انگیز هنری در کنار یگدیگر ساخته شده و عمر مفید آنها تا اولین باران موسمی در فصل پاییز تخمین زده شده است. در اثر بسیار بزرگ و به یاد ماندنی که بیش از 100 متر طول، 15 متر ارتفاع و بیش از 10 متر ضخامت دارد، تصاویر اعجاب انگیزی از تاریخ معاصر چین و زندگی مردم چینگ های نقش بسته است. تصاویری از دوران انقلاب فرهنگی، وقایع مهم تاریخی معاصر، تشکیل ارتش آزادیبخش چین، چهره رهبران برجسته و نمایی از زندگی روستاییان و اقوام مختلف به همراه طرح های متنوعی از





شاهراه های حیاتی جاده ابریشم، موجبات همگام شدن این استان پهناور و کم جمعیت با رویکرد مدرن سازی جامعه چین را فراهم ساخته است. آنچه استان چین

چهره ازدها به عنوان نماد مردم چین، با مهارت و دقت فراوانی ساخته شده و تمام جزییات و بافت های مورد تصور برای هر طرح، به شکلی هنرمندانه



های در فلات تبت - چینگ های را مورد توجه قرار داده، گنجینه های طبیعی و تاریخی است و این موارد بهترین زمینه را برای جذب گردشگران داخلی و خارجی فراهم کرده اند.

و استادانه به دست هنرمندان جوان نقش بسته است. گروهی متشکل از 30 هنرمند در بیش از یک ماه تلاش و خلاقیت هنری، این اثر اعجاب انگیز را خلق کرده اند.

برای تمامی گردشگران داخلی خارجی، گذر از دریای زرد رنگ گل ها و رسیدن به ساحل آرام دریای آبی خاطره ای بیاد ماندنی خواهد بود.

با توجه به قرار گرفتن استان چینگ های در روند توسعه سراسری چین و همچنین توجه به این استان به عنوان یکی از



جانگ یه، مروارید جاده ابریشم



در سرزمین وسیع شمال غربی چین، کوهستان رنگارنگی قرار گرفته است که در سال 2011 میلادی، از سوی مجله "نشنال جیوگرافی" آمریکا به عنوان یکی از ده شگفتی جغرافیایی جهان برگزیده شد. همه ساله هزاران طرف دار فیلم و عکاسی به اینجا سفر کرده و به باور آنها، اینجا جایی است که از هر زاویه آن می توان شگفتی بی نظیری مشاهده کرد.

این منطقه از نظر جغرافیایی ویژگی های فراوانی دارد. نام اینجا "دن شیا" است و در شهر "جانگ یه"، استان گان سو واقع در شمال غربی چین جای گرفته است. در مساحت حدود بیش از ده کیلومتر مربع، رنگ های سرخ، زرد، نارنجی، سبز، سفید و خاکستری، کوه های بلند و دره های عمیق را به زیبایی آراسته است. میلیون ها سال پیش، اینجا دریاچه ای بوده که به دنبال تغییرات آب و هوا و تبخیر حوزه آب، یون های آهن باقی مانده باعث تغییر رنگ بافت سنگ های مختلف این ناحیه شده و به همین دلیل بیشتر این ناحیه به رنگ سرخ در آمده است.

زندگی می کنند که از میان آنها قوم "یو گو" قومی منحصر به این استان است.

جانگ یه در دوران باستان با نام "گان جوئو" شناخته می شده است و یکی از چهار شهر بزرگ و مهم چین در شمال غربی به حساب می آید. در سلسله "هان غربی" چین (سال 202 قبل از میلاد تا سال 9 میلادی) این شهر به دلیل شناخته شدن به عنوان گذرگاه مهمی برای رسیدن به سرزمین های غربی، نام "جانگ یه" را بر خود گرفت. جانگ یه به معنی "آغوش باز رو به غرب" است. زیر نفوذ رودخانه "هی هه" دومین رودخانه زمینی چین، فضای سبز در اینجا گسترش یافته و نیز فرهنگ دیرینه "کانال هه شی" نیز به تدریج توسعه یافت. در سلسله هان (سال 202 قبل از میلاد تا سال 220 میلاد) و تانگ)

گفته می شود، "دن شیا" یک دریای منجمد و لخته شده است که تمامی رنگ های طبیعی جهان را در خود جمع کرده است. اما برخی دیگر بر این باورند که اینجا سرزمینی با تاریخی سراسر ماجراست که داستان های شاد و غمبار جاده ابریشم را حفظ کرده است.

شهر "جانگ یه" در شمال غربی استان گان سو و مرکز "کانال هه شی" به شمار می رود.

"کانال هه شی" مسیر مهمی برای اتصال خاک اصلی چین با منطقه شین جیانگ بوده و "هه شی" به معنی غرب رود زرد است. مساحت کل شهر جانگ یه 42 هزار کیلومتر مربع است و حدود یک میلیون و 280 هزار نفر جمعیت دارد. سی و هشت اقلیت در این منطقه

شود که زیر آسمان آبی، بسیار عظیم به نظر می‌رسد. این برج “برج چوبی وان شوئو سی” نام دارد که امروزه به عنوان نماد گردشگری و نماد شهر جانگ یه مسافران زیادی را به خود جلب می‌کند. طراحی معماری ویژه و ارزش بی‌نظیر تاریخی این برج، مورد توجه بسیاری از کارشناسان تاریخی چین و جهان قرار گرفته و هر ساله، به مناسبت اعیاد سنتی، مردم محلی به بالای این برج رفته و برای بهبود زندگی و سلامت اعضای خانواده دعا می‌کنند.

شهر جانگ یه شهر مهمی در جاده ابریشم باستانی بوده و مرکزی برای تبادلات فرهنگ و مذهب شرق و غرب به حساب می‌آید. دین بودایی از مسیر غرب به شرق وارد چین شده و در سال‌های آغازین ورود خود به کشور چین در مناطق شمال غربی چین از جمله شهر جانگ یه ریشه گرفته است. در آن زمان، برج‌های بودایی بی‌شماری در شهر جانگ یه ایجاد شد. حضور این برج‌ها به قدری در زندگی مردم و پیروان دین بودایی تأثیر داشت که در شعری معروف در میان مردم آمده است: نیمی از شهر زیر سایه برج‌های بودایی می‌آساید. تحولات در دوره‌های مختلف موجب از بین رفتن بسیاری از این آثار معماری ارزشمند شده است و برج چوبی “وان شوئو سی” همچنان به شکل اولیه خود باقی‌مانده و داستان‌های هزاران سال پیش را برای نسل‌های آینده بیان می‌کند. برج چوبی “وان شوئو سی” در ابتدا



جاده ابریشم را منتشر کردند.

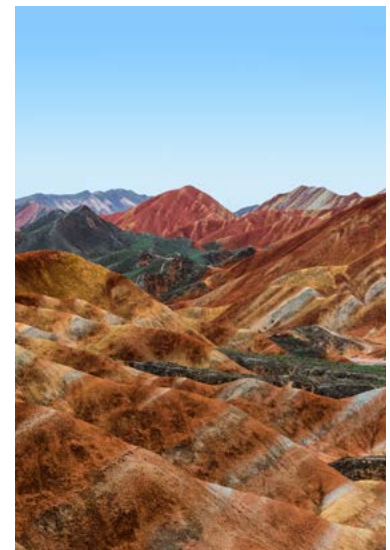
در این اعلامیه آمده است، دیدگاه بسیار مبتکرانه شی جین پینگ، رئیس‌جمهوری خلق چین برای “ایجاد نوار اقتصادی جاده ابریشم” فرصت جدیدی برای توسعه صنایع گردشگری کشورهای حاشیه جاده ابریشم بوجود آورده و طرف‌ها باید با آغاز الگوی همکاری جدید، “نوار گردشگری جاده ابریشم” را نیز ایجاد کنند. چین گردشگران خود را به سفر به کشورهای حاشیه جاده ابریشم تشویق کرده و برای پذیرایی از مهمانان خارجی اعلام آمادگی می‌کند.

برج چوبی “وان شوئو سی”

هر کسی اعتقاد به دین اسلام داشته باشد، مساجد را جای مقدسی می‌داند. مردم شهر جانگ یه نیز احساسات مشابهی به برج‌های بودایی دارند. اگر در خیابان‌های شهر جانگ یه قدم بزنید، در تمامی خیابان‌ها یک برج چوبی بلند دیده می‌

سال 608-907 میلادی، جانگ یه پایگاه مهمی برای رفت و آمد کاروان‌های جاده ابریشم بوده و تبادلات فرهنگی، تمدنی و مذهبی مختلف، تأثیرات عمیقی بر این شهر نهاده است. سال 609 پیش از میلاد، امپراتور چین به نام “سوی یانگ” در شهر جانگ یه با پادشاه و سفیران کشورهای غرب ملاقات کرده که این ضیافت معروف در تاریخ چین با نام “نمایشگاه هزاران کشور” شهرت دارد. حتی مارکو پولو جهانگرد معروف ایتالیایی نیز به مدت یک سال در این شهر زندگی می‌کرده است.

با آغاز قرن بیست و یکم، جانگ یه بر اساس تمدن و فرهنگ دیرینه خود نیز با سیمای جدیدی از گردشگران چینی و خارجی استقبال می‌کنند. پانزدهم ژوئن سال 2014، چهارمین جشنواره بین‌المللی گردشگری جاده ابریشم در شهر جانگ یه گشایش یافت و نمایندگانی از 19 شهر حاشیه جاده ابریشم در این شهر جمع شده و اعلامیه همکاری گردشگری





پانزده طبقه داشت و پس از چندین بار تعمیر و بازسازی، امروز تنها نه طبقه دارد. گفته می‌شود، در گذشته، در وسط برج یک میله آهنی از پایین تا نوک برج قرار داشت و با گرداندن این میله تمام بدنه برج به حرکت در می‌آمده است. در سلسله مینگ (سال 1368-1644 میلادی) این برج با ترکیب چوبی حفظ شده و تمام بدنه برج با استفاده از زبانه‌های چوبی به هم وصل شده بودند و هیچ اتصال یا وسیله فلزی در ساخت آن به کار نرفته است. سال 1983 میلادی، در روند بازسازی، دو اثر باستانی گرانبها زیر این برج کشف شد. یکی از آنها انگشتر طلایی با حلقه‌های نقره‌ای است که 2 سانتی متر قطر دارد. دیگری گردنبند شیشه‌ای تزئینی بودایی است که از 113 دانه شیشه‌ای درست شده است. این دو اثر باستانی از مشاهدات تاریخی جایگزین ناپذیر تحقیق و مطالعات تاریخ شهر جانگ یه به شمار می‌روند.

امروزه، برج چوبی وان شونو سی با آمیزه‌ای از چوب و آجر حفظ شده که ارتفاع آن 32.8 متر است و پایه اصلی آن به شکل هشت وجهی ساخته شده است. طبقه اول تا هفتم با آجر ساخته شده و طبقه هشتم و نهم به شکل قدیمی چوبی خود حفظ شده‌اند. گوشه سقف همه طبقات با سر اژدهایی که دانه مروارید در دهانشان دارد، تزئین شده است و زیر سر اژدها زنگوله‌ای آویزان شده که هنگام وزیدن باد، صدای دلنشین دارد.

بسیاری از مردم جانگ یه هر روز در مسیر رفتن به محل کار با دوچرخه از کنار این برج عبور می‌کنند و در شب هنگام برای تفریح با اعضای خانواده در اطراف این برج قدم می‌زنند. تماشای برج و گوش دادن به صدای زنگوله‌ها، قسمتی از زندگی‌شان را تشکیل داده است.

معبد بودای بزرگ



معبد بودای بزرگ شهر جانگ یه در سال 1098 میلادی ساخته شد و مساحت کل آن به 30 هزار متر مربع می‌رسید. این معبد دارای بیش از بیست ساختمان باستانی مختلف، نقاشی‌های دیواری به مساحت 530 متر مربع، 46 مجسمه‌گلی و 10043 اثر باستانی گران بها از جمله سکه‌های باستانی، کتاب‌های مقدس بودایی، لوازمی از یشم و برنز است. شایان ذکر است که بزرگترین مجسمه بودای خوابیده چین حفظ شده و به این خاطر، نام معبد بودای بزرگ را از آن خود کرده است.

داخل معبد بودای بزرگ، کاخی بود که در آن بزرگترین مجسمه بودای خوابیده عبادت قرار داشت. این مجسمه به شکل نیروانا بودای Sakya-muni ساخته شده که طول بدن بودا 34.5 متر، پهنای شانه و عرض گوش هایش به ترتیب حدود 7.5 متر و 4 متر است و که یک نفر می‌تواند به راحتی روی انگشت‌های این مجسمه دراز بکشد و گوش هایش هم گنجایش هشت نفر را دارد. می‌توانید تصور کنید که این مجسمه چقدر بزرگ و عظیم است.

داخل معبد بودای بزرگ، 588 جلد کتاب مقدس بودایی هم قرار گرفته که متعلق به سلسله مینگ (سال 1368-1644 میلادی) می‌باشد و همه کلمات کتاب‌ها با خط طلا نوشته شده است.

اماکن دیدنی دیگر



پارک ملی تالاب جانگ یه

پارک ملی تالاب جانگ یه در شمال این شهر قرار دارد. مساحت کل این پارک حدود 4100 هکتار بوده و از این میان مساحت تالاب به 1733 هکتار می رسد و حدود 195 نوع گیاه و 116 نوع حیوان در این پارک نگهداری می شود. این منطقه طبیعی نیز نام "رطوبت ساز" برای شهر جانگ یه را گرفته است.



معبد سم

معبد سم 62 کیلومتر از مرکز شهر جانگ یه فاصله دارد و در حدود 1600 سال پیش کنار رود "سم" ساخته شد. این معبد در واقع مجموعه غارهای سنگی است که به شکل هفت طبقه روی کوه ساخته شد. داخل 21 غار سنگی مجسمه ها و نقاشی های دیواری بی نظیر حفظ شده است و در حال حاضر این معبد به عنوان میراث فرهنگی جاده ابریشم ثبت شده است.



محصولات ویژه محلی

یشم "چی لیان"

یشم "چی لیان" نوعی از پنج یشم بزرگ چین است که در دامنه های کوه "چی لیان" تولید شده و رنگی نسبتاً تیره و شکلی مارگونه دارد.



هنر کاغذبری

محلی ارتباط نزدیکی دارد. هنرمندان روی کاغذ آروزهای خود را برای زندگی آینده و عشق به صلح و دوستی را بیان می کنند.

هنر کاغذبری در شهر جانگ یه رایج است و موضوعات کاغذبری این منطقه بسیار متنوع بوده و با آداب و رسوم



قارچ "مو"

قارچی است که در بیابان های اطراف شهر جانگ یه رشد می کند و رنگ و شکلی مانند موهای انسان دارد. این نوع قارچ ویتامین و اسید های آمینه غنی داشته و تلفظش نیز به کلمه "ثروتمند" نزدیک است و به همین دلیل بسیار مورد استفاده مردم قرار می گیرد.





شهری که رود مادر را در آغوش گرفته است



باستانی ابریشم است که در پنج هزار سال گذشته، سلسله شی هان در این منطقه شهری بنا کردند و نام آن را «شهر طلا» گذاشتند به این مفهوم که شهر از تجاوز بیگانگان مثل طلا به خوبی حفظ می شود. به دنبال راه اندازی جاده ابریشم در سلسله تانگ (از سال ۶۱۸ تا ۹۰۷ میلادی)، شهر لان جوئو کم کم به گذرگاهی مهم و همچنین مرکز معاملات بازرگانی در این جاده معروف، تبدیل شد و برای پیشبرد تبادلات فرهنگی و اقتصادی شرق و غرب نقشی مهم ایفا کرد. رونق تجاری در مسیر جاده ابریشم و رفت و آمد مسلمانان در این شاهراه، دلیل حضور مسلمانان در این شهر است. در حال حاضر نیز لان جوئو به دلیل ویژگی های جغرافیایی خود همچنین مرکز ترافیک مهمی در چین است که مناطق شرقی و غربی را به هم پیوند می دهد و راهی مهم برای رسیدن به آسیای مرکزی، خاورمیانه و همین طور اروپا به شمار می رود. هم اکنون جمعیت زیادی

لان جوئو مرکز استان گان سو، شهری در شمال غربی چین است. لان جوئو شهری مدرن و بزرگ با جمعیتی در حدود چهار میلیون نفر است. لان جوئو تنها شهر چین است که رود زرد، نه از کنار، بلکه از میان آن می گذرد و شهر در دوسوی رودخانه به طول ۶ کیلومتر گسترش یافته و امروزه نیز در حال وسعت یافتن است. مساحت شهر لان جوئو ۱۳ هزار و ۸۵ کیلومتر مربع است و به طور کلی ۳۶ اقلیت ملی در این شهر زندگی می کنند.

در اطراف رودخانه، مناظر قدیمی و مدرن بسیاری وجود دارد. در کنار رودخانه همواره افراد زیادی هستند که سرگرم عکس گرفتن در کنار مجسمه مشهور «رود مادر» در کرانه رود زرد هستند. در سوی دیگر ساحل، مسجدی با گنبد سبز به چشم می خورد. لان جوئو شهری مهم در جاده



و شهر های مهمی از حضور این رود بهره برده اند. این رود که سالانه نزدیک به ۱.۶ میلیارد تن شن و خاک با خود حمل می کند و به همین دلیل زرد رنگ و همواره گل آلود است، الهام بزرگی برای بزرگترین اندیشمندان و شاعران و میهن پرستان بوده است. البته، جاده ابریشم قدیمی هم میراث فرهنگی درخشان و مکان های باستانی بی شماری در شهر لان جوئو بر جای گذاشته و امروزه به جاذبه گردشگری تبدیل شده و همه ساله تعداد زیادی از گردشگران از داخل و خارج سرزمین اصلی چین را به خود جلب می کنند. حضور دو پدیده ارزشمند تاریخی و تاثیر گذار در تمدن چین و جهان، لان جوئو را به شهری منحصر به فرد تبدیل کرده است.

از مسلمانان در این شهر زندگی می کنند و در سراسر شهر رستوران های کوچک و بزرگ خوراک های مسلمانی نیز دیده می شود و تهیه خوراک های اسلامی از صنایع مهم این شهر به شمار می رود.

رود زرد به قدری در فرهنگ باستانی سراسر چین مهم و تاثیر گذار است که در روزگار مدرن امروزه که بسیاری از میراث و یادگاران تاریخی از میان رفته است، هنوز از اهمیت این رود کاسته نشده و همواره از آن به عنوان دلیل شکل گیری تمدن باستانی چین یاد می شود. رود زرد از غرب سرچشمه گرفته و در شرقی ترین استان چین، خود را به دریای زرد می رساند. به جرات می توان گفت که کرانه رود زرد خاستگاه مهم ترین اقدامات تمدنی و پیشرفت های اجتماعی چین است

طعم لان جو، در یاد شما می ماند



لامین Beef noodle

” لامین ” خوراک معروف و سنتی شهر لانجوست که با خرد کردن کردن رشته خانگی در سوپ گوشت گاو پخته می شود و تند و بسیار لذیذ است.

لامین لان جو باید دارای سوپ روشن، رشته سفید، فلفل قرمز و موسیر سبز باشد. آشپز در هنگام کشیدن رشته ها، آب خاکستری پونتا را اضافه خواهد کرد تا رشته ها بیشتر نرم و کشدار شوند.

ویژگی های لامین شهر لان جو در واقع در سوپ گوشت گاو آن پنهان شده است. رستوران های این شهر بیشتر از ران گاو استفاده می کنند که کیفیت خوراک بالا رفته و خوش بو تر شود.



لوبیای خاکستری Grey beans

لوبیای خاکستری نوعی از دسرهای محلی لان جو است که به شکل آش درست شده و بوی لوبیای سوخته می دهد. ولی اگر آن را امتحان کنید متوجه می شوید که بسیار نرم و شیرین است. برای پخت لوبیای خاکستری، اول لوبیا را سرخ و بعد آن را بخارپز می کنند. لوبیا را در کیسه های پارچه ای ریخته و با سنگ می کوبند. در آخر، خمیر لوبیا را با شکر و عناب می پزند.

گلابی یخ زده Soft pear

مناطق شمال غربی چین به دلیل میوه های فراوان در سراسر کشور معروف است که به دلیل اختلافات دما، میوه های این منطقه بسیار شیرین است. مردم شهر لان جو گلابی را بسیار دوست دارند و در پاییز، چون شب ها بسیار سرد می شود، گلابی را در فضای باز می گذارند تا یخ بزنند.

وقتی که می خواهند گلابی یخ زده را بخورند، مردم این شهر آن را در آب می اندازند تا پوستش نرم شده و داخلش نیز آب برود. در این لحظه با استفاده از یک نی آب گلابی را که بسیار شیرین و خنک است، می نوشند.



گوشت گوسفند بخارپز Boiled mutton

چینیان زیاد گوشت گوسفند نمی خورند به ویژه اهالی جنوب. ولی اگر به لان جوئو سفر کنید و از گوشت گوسفند آنجا نخورید، به این معنی است که انگار به این شهر وارد نشده اید. گوشت گوسفند در شهر لان جو با اسم "شو جوا یان رو" معروف است. معنی نام این خوراک "با دست بگیر و بخور" است. "شو جوا یان رو" در لان جو بیش از هزار سال قدمت دارد و مردم معمولاً به سه روش آن را می خورند. در روش اول قطعات گوشت گوسفند را بخارپز کرده و رویش فلفل می ریزند. در روش دوم قطعات گوشت گوسفند را بخار کرده و وقتی سرد شد با نمک می خورند و در روش دیگر گوشت گوسفند را سرخ می کنند. هرچند که گوشت گوسفند به هر روش که پخته شود، برای مردم لان جو، مزه ای خاطره انگیز داشته و بخشی از زندگی آنهاست.



سوپ سیرابی گوسفند یکی از غذاهای سنتی شهر لان جو است که با سیرابی گوسفند پخته شده و به شکل سوپ برای مشتریان ارایه می شود. مردم لان جو عادت دارند در صبح یک سوپ سیرابی سفارش داده و همراه نان در هوای سرد زمستان آن را بخورند و تمام بدن خود را گرم کنند.

سوپ سیرابی گوسفند Haggis



آیین مردم چین در نیمه پاییز

های گل نیلوفر آبی که گاه ممکن است حاوی زرده تخم اردک نمک سود شده نیز باشد پر می شود. در این روزها بیشتر فروشگاه ها و سوپرمارکت ها این نوع شیرینی را با بالاترین قیمت به فروش می رسانند. در حال حاضر، همه مردم چین این رسم را دارند و در این روز کیک ماه می خورند. این رسم در ابتدا جزو رسوم این عید نبوده است، بلکه از زمان سلسله تانگ در حدود قرن 14 میلادی رسم خوردن کیک ماه در عید نیمه پاییز در بین مردم رواج پیدا کرد. در گذشته در روز عید نیمه پاییز، مردم تنها به پرستش و تماشای ماه می پرداختند.



روز پانزدهم ماه هشتم تقویم کشاورزی، عید اواسط پاییز است که در کشور چین به آن عید "جونگ چیو" گفته می شود.

در عید جونگ چیو، ماه کامل می شود. در این روز، اعضای خانواده چینی همچون گردی ماه، گرداگرد یکدیگر جمع شده و مثل ماه کامل می شوند. در این روز، علاوه بر این که اعضای خانواده دور هم جمع می شوند و به رسم قدیمی خود، شیرینی مخصوص این روز را که "یویه بینگ" یعنی کیک ماه نام دارد، با هم می خورند. کیک ماه به صورت شیرینیهای گرد یا مستطیل شکل است. داخل این شیرینی ها معمولا با خمیری از دانه

داستان "سفر چانگ اه به ماه" یکی از افسانه های مربوط به عید اواسط پاییز چین است





روشن کردن فانوس نیز از جمله رسوم ویژه این عید است. چینی ها فانوس هایی کاغذی به رنگ قرمز درست می کنند که نماد شادی و خوشبختی است. در گذشته داخل این فانوس ها شمع گذاشته می شد اما این روزها فانوس ها با لامپ روشن می شوند. مردم برای این که شادی خود را بیشتر نشان دهند، این فانوس ها را تزیین می کنند.

افسانه های بسیار زیادی در باره عید اواسط پاییز وجود دارد که معروف ترین آنها داستان "سفر چانگ اه به ماه" است. گفته می شود که در روزگاران گذشته، ده خورشید در آسمان وجود داشت که بسیار به مردم آزار می رساندند تا این که قهرمانی به نام "هو یی" برای نجات مردم آمد. او با تیر و کمان خود موفق شد تا به 9 خورشید تیراندازی کرده و آنها را از بین برده و مردم را از گرما نجات دهد. از این رو، شخصیت "هو یی" بسیار برای مردم قابل احترام بود. مادر امپراتور خداهای آسمانی نیز به خاطر خدمت "هو یی" به مردم، یک عدد قرص جاودانگی به او هدیه می دهد تا با خوردن آن به یکی از خداهای آسمانی تبدیل شود.

"هو یی" این قرص را به همسر خود به نام "چانگ اه" می دهد تا برای وی نگه داری کند، اما "چانگ اه" به خاطر کنجکاوای این قرص را می خورد و به خدای آسمانی تبدیل شده و با سبک شدن جسمش، آرام آرام به سوی ماه بالا می رود. هنگام اوج گرفتنش به سمت ماه خرگوشی را می بیند. او خرگوش را می گیرد تا با سنگین شدن وزنش بتواند به زمین بازگردد، اما او موفق نمی شود. از این رو، او و خرگوش هردو به ماه می رسند.

در عید نیمه پاییز، مردم از اقلیت ها و مناطق مختلف رسم و آیین متفاوتی دارند، به طور مثال، مردم قومیت "دای" چین در این عید



برنج پخته را به شکل توپ در می آورند و در چهار گوشه میز می چینند و بر روی آن یک عود می گذارند و هنگامی که ماه طلوع می کند عود را روشن کرده و در مقابل آن تعظیم می کنند.



عادات مردم قوم "اه لون چون" گونه ای دیگر است. آن ها مقداری آب در ظرفی می ریزند و منتظر برآمدن ماه می شوند تا انعکاس آن را در ظرف ببینند، آن گاه در مقابل آن ظرف تعظیم می کنند. مردم "تو جیا" نیز همین کار را انجام می دهند، اما آن ها در عوض تعظیم، داخل ظرف آب، سنگ پرتاب می کنند.

مردم برخی اقلیت های قومی چین این روز را زمان ابراز احساسات عاشقانه خود می دانند. پسران و دختران جوان قوم "ده آن" در این روز با نواختن سازهای موسیقی احساسات عاشقانه خود را ابراز می کنند. برخی نیز این روز را به عنوان روز نامزدی خود انتخاب

می کنند. جوان های قوم های "آ شی" و "میاو" با آواز خوانی احساسات عاشقانه خود را ابراز می کنند.





غذاهای مخصوص کشورهای آسیایی در عید نیمه پاییز

این نوع غذا از برنجی که به صورت کته پخته شده آماده می شود که با افزودن آب سبزی و میوه های مختلف، طعمی متنوع پیدا می کند.



مردم در تایلند عید نیمه پاییز را "عید خواستن ماه" می خوانند. در شب این عید، مردم تایلند دور هم جمع شده و با نگاه کردن به ماه آرزو

می کنند. آن ها هم نوعی شیرینی به نام "کیک هلو" در این روز می خورند که به شکل "هلو" درست شده و به معنای "عمر طولانی" است.

غذای مخصوص به نام "کیک کاج" آماده کرده و به دوستان و همسایه های خود هدیه می دهند.

"کیک کاج" به شکل نیمه ماه و با آرد برنج درست می شود. داخل این کیک با خمیر شیرین لوبیا پر می شود. مردم در پختن این کیک، برگ سوزنی کاج را به زیر کیک می کشند تا کیک بویی خاص داشته باشد، بر همین اساس، نام آن را "کیک کاج" انتخاب کرده اند.



ژاپنی ها عید نیمه پاییز را عید "دیدن ماه" می خوانند. در این عید، مردم با پوشیدن لباس های سنتی خود همراه اعضای خانواده برای زیارت به معابد می روند.

مردم ژاپن در عید نیمه پاییز نوعی غذا به نام "کوفته برنج یا کوفته دیدن ماه" می خورند.

به مناسبت فرا رسیدن عید "نیمه پاییز" که یکی از عید های سنتی و مهم در فرهنگ چین است، خانواده های چینی یک نوع غذای سنتی به نام "کیک ماه" آماده می کنند. در واقع نه فقط چینی ها این روز را جشن می گیرند، بلکه بسیاری از کشورهای آسیایی در شب های ماه کامل نیز جشن های مختلف برگزار کرده و از خوردن غذاهای خوش مزه و مخصوص خود لذت می برند.



کره شمالی و کره جنوبی هم عید "نیمه پاییز" را جشن می گیرند. این عید در این دو کشور "چیئو شی" یعنی شب های پاییز نام دارد.

به عنوان یکی از چهار عید مهم سال، مردم کره شمالی و جنوبی در این عید

دون هوانگ، سه راهی راهبردی جاده ابریشم

جهان ناشناخته غرب به شمار می رود. دون هوانگ، سه راهی راهبردی و سر آغاز مسیر های شمالی و جنوبی جاده ابریشم است. مسیر شمالی به سوی اوراسیا و یا به عبارتی رهسپار آسیای غربی، مرکزی، جنوبی شده و در نهایت به امپراتوری روم رسیده و همچنین از مراتع و چمنزارهای سرسبز سرزمین های غربی که امروزه با نام «ناحیه خودمختار اویغور شین جیان» شناخته می شوند، گذر کرده است. مسیر جنوبی نیز با پشت سر گذاشتن کوه های بلند به سرزمین تبت، هند و نپال و حتی میانمار امروزی رسیده است. از این جهت دون هوانگ نه تنها دروازه ای به روی جهان غرب گشوده، بلکه با آغوشی باز پذیرای بی شمار فرهنگ و خرده فرهنگ از سراسر جهان بوده است. در آثار باستانی دون هوانگ و به ویژه «غارهای هزار توی بودایی موگاو»، می توان آثار آشکاری از تاثیر و تبادل فرهنگی این شهر با جهان خارج از چین را مشاهده کرد. تاثیراتی از امپراتوری باشکوه ساسانی، روم، حاکمان هندی و حتی آفریقایی نیز در این غارها یافت می شود. دون هوانگ با بیش از ۲ هزار سال سابقه حضور در سه راهی مهم و ارزشمند جاده ابریشم، بنگاه فرهنگی بسیار پر رونقی در دوران اوج و شکوفایی خود بوده و نیز از نقاط کلیدی رشد و نمو آیین باستانی بودایی به شمار می رود و امروزه هم با دیدن آثار باقی مانده از آن سال های اوج و شکوفایی، به اهمیت این شهر می توان پی برد.



دون هوانگ شهر کویری و بسیار کوچکی است. در شمال غرب استان «گانسو» و در جنوب کویر «گبی» قرار داشته و حدود ۲۰۰ هزار تن جمعیت دارد. مردمان این شهر هم خلق و خویی همانند کویرنشینان ایرانی دارند. صمیمی و مهمان نواز. با این که شهر از نظر وسعت و جمعیت کوچک است اما از نظر تاریخی و پیشینه و آثار باستانی بسیار مورد اهمیت و برجسته است و شاید در هنگام ورود به این شهر نتوان باور کرد که اینجا شاهراه و شاهرگ حیاتی و سرنوشت ساز جاده ابریشم و آیین باستانی بودایی است. دون هوانگ در سده دوم پیش از میلاد و در دوران امپراتوری سلسله هان به عنوان پادگان نظامی بنا شده و رفته رفته در دوران گوناگون اهمیت و گسترش یافته و به شهری مهم در جاده ابریشم تبدیل شده است. اما با این حال شواهد حاکی از آن است که دون هوانگ از حدود ۴ هزار سال پیش محل سکونت اقوام و مردمانی بوده است.

جایگاه دون هوانگ در جاده باستانی ابریشم بسیار مهم است و به دلیل استقرار نظامیان و وجود امنیت در مسیر رسیدن به شهر، راه جاده ابریشم به دون هوانگ افتاده است. این شهر نقطه پایانی جاده ابریشم در کشور چین بوده و دروازه ورود جاده به

غارهای هزار توی بودایی موگاو، میراث جاودان بشری



در سده چهارم میلادی، روند ساخت غارهای دون هوانگ آغاز شد و اوج ساخت و ساز آنها در دوران امپراتوری سلسله تانگ بوده که تعداد غار ها به بیش از هزار غار رسیده بود اما امروزه به دلیل فرسایش و از بین رفتن غارهای اولیه، ۷۳۵ غار باقیمانده است. ساخت غارهای هزارتوی بودایی دون هوانگ تا قرن چهاردهم میلادی ادامه یافته است. طول صخره ای که این غارها در آن حفاری شده است نزدیک به ۲ کیلومتر است.

این غارها ابتدا محلی برای عبادت و ریاضت راهبان بودایی بود و بیشتر فضایی متروک و آرام برای انجام فرایض دینی به شمار می رفت و با گذر زمان و رونق گرفتن فعالیت

را اقدامی به جا و درست دانست. در همین سال ها و سال های آغازین سده بیستم میلادی، کشف «ستون یادبود سو لای من ۱۳۴۸» در اطراف «موگاو» توجه باستان شناسان غربی را به خود جلب کرد. این کتیبه و کتیبه مشابه آن در معبد «هوانگ چین»، به منظور بزرگداشت خدمات و زحمات نذر دهندگان و یاری دهندگان حک و ساخته شده اند. در حقیقت کشف غارهای بودایی موگاو به دست یک چینی انجام و اقدام برای مرمت آنها پیش از آن توسط وی آغاز شده بود. «وانگ یوان لو» مردی تائوییست بود که به باستان شناسان گفته بود او به نگهداری و بازسازی غارهایی باستانی می پردازد و تاکنون به چند غار وارد شده و برخی نیز در حال پاکسازی و گشودن است.

در سال های پایانی سده نوزدهم، کاشفان و باستان شناسان غربی که جاده ابریشم را برای پژوهش های خود موضوع جدید و پدیده ای کم شناخته شده می دانستند، رهسپار سرزمین های شرقی شده و به پژوهش و بررسی کشور های مسیر جاده ابریشم و شهر های ناپدید شده آسیای میانه پرداختند. البته بسیاری از این بررسی ها و پژوهش ها همراه با سو استفاده از ناآگاهی مردمان ساکن بر سر این گنج های گران قیمت بود که منجر به چپاول و تاراج گنجینه های ارزشمند شرقی و آراستن موزه های غربی شد که البته از نظر حفظ آثار باستانی، این تاراج های بی نظیر، موجب حفظ میراث فرهنگی و گسترش دامنه آگاهی دانشمندان نیز شد و به نوبه خود می توان آن

تر شدند تا جایی که غارها بسته شده و فقط مردم عادی برای انجام مراسم دینی به آنجا مراجعه می کردند و به عبارتی دیگر این مرکز پررونق اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به فراموشی سپرده شد.

در آغاز اکتشافات وانگ یوان لو بایی مهری و مخالفت دولت وقت روبرو شد و به وی دستور دادند که غارها را به همان شکل اولیه مسدود کرده و ورودی آنها را بپوشانند اما او به تلاش های خود ادامه داده و به معرفی غارها پرداخته است و با حضور باستان شناسان خارجی در محل، دریچه جدیدی در علوم و آیین باستانی بودایی گشوده شد و شگفتی های فراوانی برای جهانیان آفرید.

یکی از این غارها که به نام غار کتابخانه شهرت یافته است گنجینه ای بزرگ از دست نوشته هاست که بسیاری از این اسناد کتاب ها ناپدید انگاشته می شدند و دانشمندان از نابودی آنها بسیار غبطه خورده بودند. پس از گشایش غارها به دست وانگ یوان لو، نمونه ای از این اسناد به دست کارشناسان



های بازرگانی و تبادلات فرهنگی جاده ابریشم، آیین باستانی بودایی به اوج خود رسید و موگاو به یکی از مراکز رشد و نمو آیین بودایی تبدیل شد و مردم نیز برای انجام و یادگیری آموزه های دینی به این منطقه روی آوردند. رفته رفته موگاو پرستشگاهی پرآوازه شد که به دستور و سفارش امپراتوران سلسله های مختلف، اشراف و نظامیان، بازرگانان و حتی گروه های مردمی، غارهایی در آن حفر شده و نذورات و قربانی های مردم را در خود گرد آورد. همانطور که جاده ابریشم باعث رونق و اوج آیین بودایی در منطقه و همچنین موجب شکوفایی غارهای موگاو شد، با رونق و نفوذ اسلام در آسیای میانه و تعطیلی رسمی جاده ابریشم از سوی امپراتور سلسله مینگ، تعداد مسافران به شهر دون هوانگ کاسته شد و روز به روز این شهر و غارها منزوی

خارجی رسید و پس از اطلاع دولت محلی از این گنجینه بسیار ارزشمند، بررسی و مطالعات آغاز گردید. در این کتابخانه آثار فراوان و گوناگونی در زمینه هایی از جمله علوم تائویسم، آیین بودایی، تعالیم نسطوریان، ادعیه، اسناد و مدارک دولتی، واژه نامه و حتی کتاب های مشق خطاطی و آیین بودایی به دست آمده است. این کتاب ها بیشتر به زبان چینی هستند ولی در میان آنها کتاب هایی به زبان اویغوری، ختنی و سغدی (از گویش های شمال شرقی ایران که به عنوان زبان میانجی میان بازرگانان چینی، ایرانی و رومی استفاده می شده است) نیز به دست آمده است. در کل ۵۰ هزار نسخه در غار کتابخانه



انباشته شده بود. یکی از گران بها ترین کتب یافت شده در غار شماره ۱۷ یا غار کتابخانه، «پندنامه عیسی مسیح» است که به دست یک اسقف ایرانی به چین آورده و از زبان سریانی به زبان چینی ترجمه شده است. کارشناسان و دانشمندان علوم دینی مسیحیت سال ها بر این باور بودند که این پندنامه از بین رفته و بخشی از پنذهای حضرت مسیح به دست پیروان نرسیده است اما با کشف این پندنامه، قدیمی ترین اثر دینی مسیحیت به زبان سریانی در اختیار عالمان مسیحی قرار گرفت.

غارهای موگاو از نظر هنری در بر گیرنده ۱۰ ژانر هنری گوناگون است. در این مجموعه غارها آثار شگرفی از معماری، ادبیات، نقش برجسته گچ و خاک، نقاشی روی کاغذ و پارچه ابریشم، نقش نگاری به سبک قلمکاری، خطاطی، سوزن دوزی، رقص و موسیقی و تصویر گری دیواری به چشم می خورد و این غارها از نظر ایجاد جاذبه دینی، فرهنگی و تفریحی نیز قابل بررسی و پژوهش هستند زیرا که بسیاری از داستان های آیینی و حکایات دینی بودایی به دست راهبان هنرمند روی دیواره های نقش بسته است که نه تنها موجب آموزش مبانی دین بودایی به نسل های آینده می شود بلکه از نظر زیبایی شناسی و همچنین جنبه

تفریحی نیز مورد توجه است.

پس از بررسی های و رمز گشایی های جای جای غارهای موگاو، تاثیر فرهنگ های مختلف و سبک های اجرایی هنرهای بودایی بسیار مشهود است. آیین بودایی با درونمایه توجه به زیبایی و خلق آثار هنری بصری، روحیه عظیمی برای جذب زیبایی های فرهنگ های کشورهای بسیار مسیر جاده ابریشم بوجود آورده است. در نقش های روی دیوار ها و حتی در غارهایی که مجسمه های بسیار بزرگ و غول آسای بودایی ساخته شده است، ردی از هنر و مفاهیم عرفانی و خطوط باستانی ایرانی دیده می شود که نشان دهنده ابعاد گسترده فرهنگی این مجموعه است و تنها به عنوان مرکزی برای آموزش و پرورش راهبان و عبادت بوداییان مورد استفاده قرار نمی گرفته است.

موگاو امروزه در فهرست آثار باستانی سازمان یونسکو قرار دارد و در تمام ۶ رده موجود برای آثار باستانی جهانی، به ثبت رسیده است.



با آن هم راز می شدیم تا به سکوت
دیوار چین گوش می دادیم یا به افسانه
های رود زرد گوش می سپردیم. باید
به مجسمه های بزرگ بودا خیره می
شدیم و از راز جاودانگی جویا می
شدیم. تیره های بشری را آنجا می
دیدیم و از قبیله ها سراغ می گرفتیم.



جاده ابریشم، گردش آرام در بیکران بیابان

با بوی شترهایمان اخت می شدیم و در
بیابان هایی که مرگ در آن ها حتمی
بود، زندگی می کردیم. راه می سپردیم
و گم می شدیم و همچنان امیدوار بودیم
تا این که... نقطه شروع شهری بود
به نام شیان. شهری بزرگ با نفوس
بسیار. این پایتخت سلسله تانگ
دیروز، امروز یکی از خواهرخوانده
های اصفهان خودمان است. شهری
که هم پاگودا دارد و هم مسجد. شاید
در روزگاران پیش، درست در همان
مکانی که امروز پاگودای بزرگ
«غاز وحشی» قرار دارد، کاروانیان

جاده ابریشم، جاده پیوند و صلح بود. شاهان از این جاده هدایا را برای هم می
فرستادند. ابریشم راهی بود ایمن به دور از جنگ ها و ستیزه جویی های کشورها و
امپراتوری ها، در هزاره ها و سده ها. تلاقی گاه میان شرق و غرب. ادویه، چای،
کاغذ، ظروف چینی، یونجه و انگور، شیشه و بخور از این راه به کشورهای مقصد
می رسید پربراه نیست که آن را با نام «ابریشم» این کالای تجملی نامیده اند. در
اواخر قرن نوزدهم «فردیناند فون ریختهوفن»، جغرافی دان و زمین شناس آلمانی
برای اولین بار واژه «جاده ابریشم» را به کار برد و از آن پس بود که این عبارت
مقبول عامه مردم واقع شد. هرچند مسیر جاده ابریشم به یک راه ختم نمی شد و راه
های فرعی بسیاری داشت. گاه از میان کویر می گذشت گاه از میاه کوه یا جنگل،
دریا و رودخانه ها ولی آنچه تداعی گر هویت اصلی این جاده برای ما بود، نام ابریشم
و مسیری بود که برای آن برگزیدیم. جاده ای غریب که باید از آن گذر می کردیم.





ادامه مسیر هرگز از بقیه جدا نشوی تا به سلامت از بیابان «تاکلاماکان» گذر کنی. در ادامه مسیر از شهر «چرچن» (cherchen) ختن واقع شده است. ختن همواره به «یشم» اش معروف بوده است. این شهر علاقمندان بسیار داشته است. ختن بیش از هر واحه دیگر بیابان تاکلاماکان جمعیت داشته است که در حدود 95 درصدشان اویغوری بودند و همیشه مرکز مهم تجارت و داد و ستد بود. زمانی بود که دین بودا در ختن اهمیت فراوان داشت، اما بعدها به اسلام روی آورد و نماز و عبادت اسلامی در آن گسترش یافت.

کاشغر در مسیر راهمان است. در این شهر ما به مردانی برمی خوریم که طبیعتی آتشین و پرشور و خشن دارند و از چهره شان جسارت و بی باکی و شجاعت مشهود است. تاجیک ها را عاشق ورزشی می یابیم به نام «تیائویانگ» یا «بزرگشی»، که در آن سوارکاران برای تصاحب بز سربریده با هم به رقابت می پردازند. برای

(cio) نامیده و آیین بوداییان را برای ما شرح داده است: «آن ها غارها و معابد بسیار دارند، که همگی پر از بت های گوناگون اند و به آن ها علاوه بر احترام و عبادت فراوان، قربانی های ارزشمند تقدیم می کنند.» در ادامه مسیر به مناطق وحشت زایی هم می رسیم. محلی ها با آب و تاب برایمان تعریف می کنند و در این کار گاه با هم به رقابت هم برمی خیزند که تنها نشانه های راه، استخوان های مسافران یا حیواناتی بوده است که پیش تر در این مسیر جان باخته اند: «در این بیابان اگر بازرگانی از دوستان خود عقب بماند صدای ارواح خبیثه ای را می شنود که شبیه صدای همراهانش است. صداها؛ او را بارها به اسم صدا می کنند و به او می قبولانند که دوستانش هستند. بازرگان به دنبال صدا می رود و راه را گم می کند. او دیگر هرگز به دوستانش نمی رسد و آن ها را نمی یابد. هیچ کس از او خبری نخواهد داشت و او در تنهایی خواهد مرد.» شنیدن این داستان کافی است تا در

آماده می شدند تا بار سفر دور و دراز خود را ببندند. آن روزگار، کاروان سالار؛ افراد کاروان را دور خود جمع می کرد و امروز؛ بازی فواره ها به همراه موسیقی و نور، بهانه خوبی است که مردم شیان و گردشگران همه دنیا را در کنار معبدی، راس ساعت هشت شب، ولو برای نیم ساعت کنارهم جمع می کند. اگر در آن زمان شیان نامی آشنا برای مردم مغرب زمین نبود، اما امروز هرکسی داستان سربازان سفالی را شنیده است. همان سربازان سفالی امپراتور چین (شی هوانگ تی) که در حالتی آماده به خدمت در سال 1974 میلادی از دل خاک بیرون آمدند و به همه دنیا اعلام کردند که هنوز می توانند مرکز توجه باشند. از شیان به سمت تیانشویی (tianshuii) و لانچو (llan-) chow) که برویم یکی از مشهورترین جایگاه های مربوط به غارهای بودایی را می بینیم. بالغ بر 190 غار با نقاشی های دیواری و مجسمه نزدیک تیانشویی واقع شده اند. «وووی» (wuwei) جایی است که در روزگاران پیش، تمام مردمی که قصد ورود یا خروج به قلمرو چین را داشتند، در آنجا مورد بازرسی قرار می گرفتند. «دون هوانگ» هم آخرین نقطه غربی مسیری است که به امپراتوری چین تعلق داشت. دون هوانگ، یکی از بزرگترین پرستشگاه های بوداییان چینی بود. غارهای فراوان و مجسمه های بزرگی از بودا و نقاشی های دیواری گواه این مدعاست. مارکوپولو این مکان را «ساسیو» (sa-



که میراث بشر را ارج می نهند، به همراه آورده است. هرات نام شهری از خراسان بزرگ و آخرین شهر مهم قبل از رسیدن به ایران بود. می گویند ضحاک دختری داشت به نام «هرات» که دستور به ساخت این ناحیه داده و به همین دلیل این شهر به هرات موسوم شده است. برخی هم عقیده دارند که لهراسب از پادشاهان کیانی این شهر را بنا نهاده است. چنگیز خان بعد از هفت ماه محاصره این شهر، هفت شبانه روز به کشتار مردم و ویران کردن خانه ها پرداخت. هرات بعد از ویرانی توسط مغولان، بعد از مدتی مجدداً از مهم ترین شهرهای خراسان شد و مقتدرترین پادشاهان تیموری در این شهر فرمانروایی داشتند. پس از هرات، ما راهمان را طی می کنیم و به ایران می رسیم که مسیر جاده ابریشم همچنان از آن می گذرد و خود افسونی دیگر دارد.

دلیل اعتقاد مردم محلی، محل دفن امام اول شیعیان است و به همین دلیل نام مزارشریف را برایش انتخاب کرده اند.

از بلخ، مسیر را می توان به طرف مرو یا به جانب مشهد و ناحیه جنوبی دریای مازندران ادامه داد. اما راه ما از بلخ به سمت هرات و مشهد بود. در بخش باز هم جنوبی تر، شهر بامیان، در غرب کابل قرار دارد که می توان از سمت پیشاور نیز به آن جا رفت. بامیان همان شهری است که صخره بامیان در آن قرار دارد و در بخش شرقی این صخره، در میان صدها حفره ای که در سنگ کنده شده اند، تورفتگی ای وجود دارد که پوشیده از نقاشی های دیواری و مجسمه بودا به بلندی 35 متر است. در سمت چپ آن نیز غارهایی که محراب و تالار و حجره دارند، نمایان است. امروز افسانه بامیان و مجسمه های بودا با کار نابکارانه طالبان افغانستان درهم آمیخته است و افسوس را برای بوداییان و همه آن کسانی



رسیدن به کابل باید از مرز میان تبت و پامیر گذر کنی. راهی که گذشتن از آن همیشه با مخاطراتی همراه بوده است و همواره حسی غریب در شنیدن اسمشان انسان را فرا می گیرد. تبت و پامیر اسطوره هایی بودند که باید برای درکشان دل به راه می سپاریم. به گزارش میراث خبرپس از پشت سر گذاشتن پامیر کوچک به سمت غرب، مسیر راه به مصب علیای آمودریا وصل می شود. با ورود به بخش شمالی افغانستان، از طریق قندوز، می توان به بلخ رسید. بلخ در لغت به معنی کدویی است که در آن شراب می کنند و شاید مولانا از همین شراب در کودکی نوشید که به سماعی چنان دست یافت. مارکوپولو که مدتی در این شهر اقامت گزیده بود از افسانه ای حکایت می کند که در بلخ بر سر زبانهاست. برپایه این افسانه گفته می شود که اسکندر دختر داریوش سوم، شاه ایران را در همین محل یعنی در باکتریا (بلخ) به زنی گرفت. «مزار شریف» امروزی جزئی از همان بلخ سابق است که به





2014年伊朗波斯语杂志《东方之珠》 广告招商刊例价（一期）

版面位置	规格尺寸	价格
封面	191X266mm	50000.00
封面	191X266mm	40000.00
封三	191X266mm	30000.00
封底	191X266mm	30000.00
内页整版	191X266mm	10000.00
内页软文	191X266mm	8000.00
内页二分之一版	130X266mm	6000.00
其他形式		另议

注：

- 1、广告刊载内容必须遵守《中华人民共和国广告法》及其它相关法律法规的规定。
- 2、本刊对广告内容和设计图形有删改或拒绝刊登权利。
- 3、广告稿必须在指定截稿日期前发送至本公司，刊出前，其设计、内文及插图须得本刊同意。
- 4、特殊广告形式及裁剪方式再协商确定价格，前期广告刊登费用一律6折优惠，签订3期以上给予5折优惠。

联系单位：北京慕尚广告传媒有限公司

通讯地址：中国北京市石景山区政达路6号北方中惠国际中心D座1118室

邮政编码：100040

联系电话：+86 10-57796572/73

E-mail：mushang_ad@126.com

بخش فارسی رادیو بین‌المللی چین در سال 1957 آغاز به کار کرد و برای ایران و افغانستان، روزانه به مدت یک ساعت و نیم، برنامه بخش می‌گذارد که موضوعات آن شامل اخبار، رویدادهای چین و جهان، برنامه‌های اقتصادی، گردشگری، موسیقی پاپ چین و غیره است.

ماه اکتبر سال 2003 میلادی، وب‌سایت بخش فارسی (<http://persian.cri.cn>) رسماً راه‌اندازی شد.

در حال حاضر سایت ما به روش‌های گوناگون از جمله، صوتی و تصویری، به موضوعات کلی اقتصادی، گردشگری و غیره پرداخته و آن‌ها را در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد. به این ترتیب، مخاطبان توانسته‌اند از پنجره‌ای گسترده‌تر و سریع‌تر با کشور چین آشنا شوند.

ماه ژوئن سال 2007 میلادی، دفتر خبری رادیو بین‌المللی چین در تهران ایجاد شد. خبرنگاران ما نیز از نزدیک گزارش‌هایی را از ایران برای مردم چین ارسال می‌کنند. به این ترتیب فاصله بین دو کشور کمتر شده است.

CRI
中国国际广播电台
CHINA RADIO INTERNATIONAL

CIBN
中国网络电视台
CHINA INTERNET RADIO

per@cri.com.cn
<http://persian.cri.cn>

Persian Service, CRI-
23China radio international
P.O.Box# 4216, BEIJING